

کتاب جامع تخصصی زبان کنکور

جلد اول

واژگان، اصطلاحات و درک مطلب زبان تخصصی



مقدمه مؤلف

به نام یگانه یزدان پاک

پس از سلام!

جلد اول مجموعه «کتاب جامع زبان انگلیسی تخصصی کنکور» با نام «واژگان، اصطلاحات و درک مطلب زبان تخصصی» پیش روی شماست. در ابتدا لطفاً به بودجه‌بندی سؤالات آخرین کنکور اختصاصی زبان توجه کنید:

Part A: Grammar	۱۰ سؤال
Part B: Vocabulary	۱۵ سؤال
Part C: Sentence Structure	۵ سؤال
Part D: Language Functions	۱۰ سؤال
Part E: Cloze Test	۱۵ سؤال
Part F: Reading Texts	۱۵ سؤال

این کتاب تلاش می‌کند داوطلب را برای پاسخگویی به بخش‌های B، D، E و F یعنی تقریباً ۸۰٪ سؤالات آزمون آماده کند (بخش‌های A و C یعنی ۲۰٪ زمینه سؤالات در جلد دوم این مجموعه یعنی «گرامر کاربردی زبان انگلیسی» پوشش داده می‌شود).

داوطلبان عزیز کنکور اختصاصی زبان انگلیسی! احتمالاً مطلعید که باید در دفترچه دروس عمومی، چهار درس (ادبیات / معارف / عربی / زبان عمومی) را همانند بقیه رشته‌ها امتحان دهید. اما در دفترچه اختصاصی تنها درس اختصاصی شما، درس «زبان تخصصی» با ۷۰ سؤال و ۱۰۵ دقیقه وقت پاسخ‌گویی است. درضمن عزیزان! باید مدنظر داشته باشید که هیچگونه مرجع مشخصی برای طرح سؤالات توسط سازمان سنجش آموزش کشور معرفی نشده است و این مجموعه دو جلدی حاصل تجربه سال‌ها تدریس و تجربه ما در آموزش کنکور می‌باشد که امیدواریم بخش عمده‌ای از نیازهای شما را پوشش دهد. ممکن است البته نام کتاب New Bridging The Gap را شنیده باشید که از کتاب‌های توصیه شده سازمان سنجش است و البته تقریباً هیچگاه سؤالی از این کتاب طرح نشده است. با این وجود مطالب کتاب فوق در **CD همراه این کتاب** به طور کامل آمده است. اما حتماً توجه داشته باشید که با شرایطی که توضیح دادیم، هر قدر شما کتاب‌های متنوع و مفید دیگر مانند کتاب‌های تافل و FCE، CAE را مطالعه کنید یا به کلاس‌های زبان ترمیم بروید، به آماده‌تر شدن برای این آزمون کمک خواهد کرد.

ساختار کتاب

این کتاب ۴ بخش اصلی و یک CD ضمیمه دارد:

Part A: Advanced Reading Comprehension

فصل اول: درک مطلب پیشرفته

این فصل خود به سه بخش تقسیم می‌شود:

۱- بخش اول: آموزش تکنیک‌های پیشرفته متن خوانی

۲- بخش دوم: متن‌های درک مطلب تمرینی همراه با پاسخ‌های تشریحی و مشاوره‌ای مؤلفان

۳- بخش سوم: متن‌های کلوز تمرینی همراه با توضیحات کامل و ارائه روش‌های تستی

✓ توضیح: بسیاری از متن‌های این فصل از کتاب‌های تافل، FCE و CAE اقتباس شده است.

Part B: Essential Vocabulary

فصل دوم: واژگان ضروری

این فصل شما را با واژگان و اصطلاحات رایج و کلیدی در قالب متون منسجم و موضوعی آشنا می‌کند. ۲۱ متن آموزشی همراه با ترجمه و دسته‌بندی کلمات مهم به همراه مثال به یادگیری شما کمک شایانی خواهد کرد. در انتهای هر فصل نیز ۲۰ سؤال چهارگزینه‌ای برای تمرین بیش‌تر شما گنجانده شده است. ضمناً با توجه به اهمیت بالای لغات، محتوای ارزشمند دیگری تحت عنوان «واژگان طبقه‌بندی شده موضوعی» در لوح فشرده قرار داده شده است.

Part C: Language Functions

فصل سوم: نقش‌های زبانی

در این فصل شما با اصطلاحات محاوره‌ای و روزمره زبان انگلیسی آشنا می‌شوید و در قالب دسته‌بندی موضوعات شایع و رایج در مکالمات، اصطلاحات مربوطه را می‌آموزید. این فصل و محتویات آن یکی از نقاط ضعف اغلب داوطلبان در تمام سال‌های گذشته بوده که امیدواریم مطالب آن این گره چندساله را باز کند.

Part D: Previous Exams

فصل چهارم: کنکور سال اخیر

در این فصل سؤالات آخرین کنکور برگزار شده با پاسخ تشریحی برای تمرین بیشتر و جمع‌بندی نهایی گردآوری شده است.

With Self-study CD-ROM

لوح فشرده: محتوای این لوح فشرده کنکورهای سال‌های اخیر با پاسخ کلیدی، واژگان طبقه‌بندی شده موضوعی و تمامی مطالب کتاب The New Bridging the Gap، همراه با تمرین و تست‌های فراوان است که سال‌ها پیش به عنوان کتاب کمکی (و نه مرجع) توسط سازمان سنجش توصیه شده بود که البته هیچ‌گاه به طور مستقیم، مرجع طرح سؤال قرار نگرفت.

شیوه استفاده از این کتاب

داوطلب کنکور اختصاصی زبان باید در دروس عمومی قوی‌تر از داوطلبان سایر رشته‌ها باشد و برای مطالعه هر درس عمومی حداقل روزی یک ساعت وقت بگذارد. اما برای درس زبان تخصصی مطالعه روزانه به مقدار ۲ ساعت لازم است. برای گرفتن برنامه پیشنهادی ما و اطلاعات بیشتر می‌توانید به سایت www.shahabanari.com/konkoor مراجعه کنید.

البته اگر شما داوطلب سایر رشته‌ها هستید ولی در کنکور اختصاصی زبان هم به عنوان انتخاب دوم‌تان شرکت می‌کنید قطعاً میزان مطالعه هفتگی‌تان کمتر از فوق خواهد بود ولی در هر حال تلاش کنید مطالعه اصلی‌تان تا عید نوروز تمام شود و پس از عید را به مرور و جمع‌بندی بپردازید.

یک توصیه کلی برای استفاده بهتر از این کتاب این است که فصول ۱ تا ۳ را باهم پیش ببرید یعنی هر هفته مقداری از Part A، Part B و Part C را بخوانید.

کتاب‌های مفید دیگر

برای زبان عمومی توصیه می‌کنیم کتاب زبان انگلیسی جامع کنکور و کتاب درک متن انگلیسی به زبان ساده انتشارات مبتکران به قلم دکتر شهاب اناری را تهیه فرمایید.

برای زبان تخصصی غیر از این مجموعه دو جلدی، اگر وقت دارید، رفتن به کلاس‌های مکالمه ترمیک و نیز مطالعه کتاب‌های آمادگی تافل یا FCE، CAE را توصیه می‌کنیم. برای اطلاع یافتن از منابع مرتبط دیگر، به سایت معرفی شده مراجعه کنید.

و در پایان

تشکر ویژه داریم از مدیر عامل محترم جناب آقای یحیی دهقانی و سایر مدیران محترم مجموعه مبتکران، همکاران بی‌نظیرمان در تألیف و ویرایش این کتاب جناب استاد جواد مومنی (دبیر توانمند زبان، رتبه ۹ کنکور سراسری ۸۷)، سرکار خانم پانیز بهرامی، جناب آقای الوند قریب و جناب آقای حمید خزائی (دبیران برجسته درس زبان) و همچنین نظرات ارزشمند آقای مهرداد فلاحی و همچنین از کمک‌های فکری آقای مهندس کیان بهداد در ارتقاء کیفیت کتاب بی‌نهایت سپاسگزاریم. همچنین از حروفچین دقیق و توانمند کتاب، سرکار خانم لیلی میرزایی و طراح دقیق سمانه ایمانفرد بسیار ممنونیم. نظرات و پیشنهادهای شما ارزشمندترین هدیه‌ای است که می‌توانید به ما بدهید! لطفاً از طریق سایت معرفی شده با ما در تماس باشید.^۱

اگر تلاشگرید، موفق باشید.

دکتر شهاب اناری - مهندس روزبه شهلائی مقدم

فهرست

Part A: Advanced Reading Comprehension

فصل اول: درک مطلب پیشرفته

۷.....	بخش اول: آموزش تکنیک‌های پیشرفته متن خوانی.....
۲۹.....	بخش دوم: متن‌های درک مطلب تمرینی.....
۱۲۳.....	بخش سوم: متن‌های کلوز تمرینی.....

Part B: Essential Vocabulary

فصل دوم:

۱۵۹.....	واژگان ضروری.....
۲۹۱.....	ضمیمه.....
۲۹۵.....	آزمون نمونه واژگان.....

Part C: Language Functions

فصل سوم:

۳۰۱.....	نقش‌های زبانی.....
۳۴۷.....	آزمون نمونه نقش‌های زبانی.....

Part D: Previous Exams

فصل چهارم:

۳۸۵.....	کنکور سال اخیر.....
----------	---------------------

Part A

Advanced Reading Comprehension

درک مطلب پیشرفته



در این بخش شما با هفت تکنیک اصلی متن خوانی آشنا می‌شوید و در قالب متن‌های آموزشی هدف‌دار می‌آموزید که روش درست خواندن متون درک مطلب و انواع سؤالات رایج درک مطلب و نحوه پاسخگویی به آن‌ها چگونه است.

پیش‌نیاز:

- (۱) داشتن دانش گرامری و لغوی در حد چهار سال دبیرستان
- (۲) آشنایی با اصول مقدماتی متن خوانی (اگر کتاب «درک متن انگلیسی به زبان ساده» تألیف دکتر شهاب اناری را نخوانده‌اید، حتماً آن را بخوانید.)

چند توصیه مهم و کلی برای متن خوانی

- (۱) هنگام خواندن، دانش زمینه‌ای خود را درباره موضوع متن فعال کنید و تلاش کنید اطلاعات خود را از موضوع با آنچه متن ارائه می‌کند مقایسه نمایید.
- (۲) با متن تعامل کنید؛ به عبارت دیگر نقش شما در خواندن متن نقشی فعالانه است که باید از طریق سؤالاتی که دائماً درحین خواندن متن از خود می‌پرسید، مفاهیم متن را از آن بیرون بکشید.
- (۳) نگران معنی تک‌تک لغات نباشید و بر سیر موضوع متن تمرکز کنید.
- (۴) به ساختار هر پاراگراف توجه کنید و متن را نقادانه بخوانید.
- (۵) با تمرین زیاد بر سرعت و روانی خواندنتان بیفزایید.
- (۶) حتماً جملات پیچیده و طولانی را عبارت به عبارت بخوانید.
- (۷) سعی کنید با استفاده از خواندن این متون، بر دانش لغوی خود اضافه کنید و لغات جدید را ثبت کنید و بعداً مرور نمایید.
- (۸) سعی کنید خصوصاً در متون علمی، از موضوع متن، تصویر (متحرکی) در ذهن بسازید و موضوع را تجسم کنید.
- (۹) از عادت‌های بد متن خوانی مثل زیرلب زمزمه کردن، هر جمله را دوبار خواندن، ترجمه به فارسی و... دوری کنید.

(۱۰) خواندن باید تبدیل به یک عادت روزمره شود و هرگز با آن به عنوان تکلیف و وظیفه (آن هم مثلاً یک روز در هفته) برخورد نکنید. یادتان باشد برای موفقیت در بحث متن خوانی سه چیز لازم است: **تمرین، تمرین، تمرین.**

اهداف آموزشی:

- (۱) آموزش تکنیک‌های صحیح خواندن متون درک مطلب
- (۲) آشنایی خواننده با هفت نوع سؤال درک مطلب در سطح پیشرفته و نحوه پاسخگویی به آن‌ها
- (۳) تقویت تکنیک‌های صحیح متن خوانی در قالب تمرین متن‌های درجه‌بندی شده (از ساده به سخت) در کنار توضیحات مفصل تشریحی مؤلف
- (۴) آموزش تکنیک‌های برخورد با Cloze Test و تمرین هدفدار در قالب متن‌های کلوز درجه‌بندی شده (از ساده به سخت)

Unit

1

Advanced Reading Techniques

آموزش‌های تکنیک‌های پیشرفته متن خوانی

در این بخش شما با هفت تکنیک اصلی متن خوانی آشنا می‌شوید و در قالب متن‌های آموزشی هدف‌دار می‌آموزید که روش درست خواندن متون درک مطلب و انواع سؤالات رایج درک مطلب و نحوه پاسخگویی به آن‌ها به چه ترتیب است.

پس از یادگیری عمیق تکنیک‌های این Unit آماده خواهید شد تا با استفاده از Unit 2 به تمرین آموخته‌های خود بپردازید.

Technique 1

Dealing With Details

برخورد با جزئیات متن

راهنما: هدف این تکنیک، آموزش برخورد حرفه‌ای با جزئیات متن (اعم از اسامی، تاریخ‌ها، اعداد، اسامی خاص و...) و پاسخگویی به پرسش‌های مربوطه است. متن زیر دربارهٔ آدامس ریگلی است. متن را اجمالاً بخوانید تا سیر موضوع کلی آن را درک کنید. خود را درگیر تک‌تک لغات نکنید و تمرکزتان بر موضوع متن باشد. هدف اصلی در این‌جا پاسخ به سؤالات بعد از متن است که از **جزئیاتی داخل متن** پرسش می‌کنند.

Wrigley's chewing gum was actually developed as a premium to be given away with other products rather than as a primary product for sale. As a teenager, William Wrigley Jr. was working for his father in Chicago selling soap that had been manufactured in his father's factory. The soap was not very popular with merchants because it was priced at five cents, and this selling price did not leave a good profit margin for the merchants. Wrigley convinced his father to raise the price to ten cents and to give away cheap umbrellas as a premium for the the merchants. This worked successfully and showed Wrigley that the use of premiums was an effective sales tool.

Wrigley then established his own company; in his company he was selling soap as a wholesaler, giving baking soda away as a premium, and using a cookbook to promote each deal. Over time, the baking soda and cookbook became more popular than the soap, so Wrigley began a new operation selling baking soda. He began hunting for a new premium item to give away with sacks of baking soda; he soon decided on chewing gum. Once again, when Wrigley realized that demand for the premium was stronger than the demand for the original product, he created the Wm. Wrigley Jr. Company to produce and sell chewing gum.

Wrigley started out with two brands of gum, Vassar and Lotta Gum, and soon introduced Juicy Fruit and Spearmint. The latter two brands grew in popularity, while the first two were phased out. Juicy Fruit and Spearmint are two of Wrigley's main brands to this day.

1. It is NOT indicated in paragraph 1 that young William was working
 - 1) in Chicago
 - 2) for his father
 - 3) as a soap salesman
 - 4) in his father's factory
2. According to paragraph 1, it is true that the soap that young Wrigley was selling
 - 1) was not originally well-liked
 - 2) was originally priced at 10 cents
 - 3) originally provided good profit for merchants
 - 4) never became popular with merchants
3. According to paragraph 2, it is NOT true that when Wrigley first founded his own company, he was
 - 1) selling soap
 - 2) selling chewing gum
 - 3) giving away cookbooks
 - 4) using baking soda as a premium
4. It is NOT mentioned in paragraph 2 that Wrigley later
 - 1) sold baking soda
 - 2) used chewing gum as a premium to sell baking soda
 - 3) sold chewing gum
 - 4) used baking soda as a premium to sell chewing gum
5. According to paragraph 3, the Wm. Wrigley Jr. Company did all of the following EXCEPT..... .
 - 1) begin with two brands of gum
 - 2) add new brands to the original two
 - 3) get rid of the last two brands
 - 4) phase out the first two brands



آدامس ریگلی در واقع به عنوان جایزه‌ای ساخته شد تا با محصولات دیگر (به مشتریان) داده شود تا این که به عنوان محصولی اصلی برای فروش باشد. در نوجوانی، ویلیام ریگلی پسر برای پدرش در شیکاگو کار می‌کرد و صابونی را که در کارخانه پدرش تولید شده بود، به فروش می‌رساند. صابون نزد بازرگانان خیلی محبوب نبود زیرا قیمتش پنج سنت بود و این قیمت فروش، حاشیه سود خوبی برای تاجران باقی نمی‌گذاشت. ریگلی پدرش را متقاعد کرد که قیمت را به ده سنت افزایش دهد و چترهای ارزان قیمتی را به عنوان جایزه به تاجران همراهش بدهند این کار موفق بود و به ریگلی ثابت کرد که استفاده از جایزه ابزار فروش مؤثری است. ریگلی سپس شرکت خودش را تأسیس کرد؛ در این شرکت او صابون را به عنوان عمده فروش می‌فروخت در حالی که جایزه‌اش جوش شیرین بود و از یک کتاب آشپزی برای ترویج محصول استفاده می‌کرد. در گذر زمان، جوش شیرین و کتاب آشپزی از صابون محبوب‌تر شدند بنابراین ریگلی شرکتی تأسیس کرد که جوش شیرین بفروشد. او شروع به جستجو برای جایزه‌ای کرد که همراه با فروش جوش شیرین بدهد؛ خیلی زود تصمیمش به آدامس رسید. دوباره، وقتی ریگلی فهمید که تقاضا برای جایزه قوی‌تر از تقاضا برای محصول اصلی است، او شرکت ریگلی را به وجود آورد تا آدامس تولید کند و بفروشد.

هدف از متون Unit 1 پیش‌تر آموزشی است و لذا بدایشان زمان مشخصی نگذاشته‌ایم تا صرفاً تمرکزتان روی تکنیک مورد بحث آن باشد.

ریگلی با دو برند آدامس شروع کرد، واسار و لوتا و خیلی زود (برندهای) «میوه آبدار» و «نعنا» را معرفی نمود. محبوبیت دو برند آخر افزایش یافت درحالی که دو تای اول ناپدید شدند. «میوه‌های آبدار» و «نعنا» دو برند اصلی ریگلی تا همین امروز هستند.

پاسخ سؤالات متن:

(۱) **گزینه ۴** یکی از رایج‌ترین انواع سؤالات درک مطلب، **سؤال از جزئیات ذکر شده در متن** است. برای پاسخ به چنین سؤالاتی باید با تکنیک **scanning**

(خواندن گزینه‌ای) آشنا شوید. تکنیک scanning به این صورت است که شما ابتدا در صورت سؤال (یا گاه در گزینه‌ها) واژه یا عبارتی کلیدی (key word) را انتخاب می‌کنید. منظور از واژه یا عبارت کلیدی، واژه یا عبارتی است متمایز که به راحتی بتوان آن را در متن پیدا کرد. چنین واژه‌ای باید در حد یک یا دو بار در متن آمده باشد و اگر بیش از آن تکرار شده باشد، یافتن مورد موردنظر ما درباره آن واژه در متن بسیار دشوار خواهد شد. سپس با نگاهی سطحی و روزنامه‌وار آن واژه کلیدی یا معادلش را در متن پیدا می‌کنیم و جمله مربوط را به دقت می‌خوانیم تا جزئیات موردنظر را متوجه شویم. مثلاً در همین سؤال واژه young William در پاراگراف اول، واژه کلیدی موردنظر ماست. اگر به پاراگراف اول برگردیم جمله دوم که می‌گوید:

As a teenager, William Wrigley

جمله موردنظر ماست که اگر آن را به دقت بخوانیم می‌بینیم گزینه ۴ ذکر نشده است و صرفاً گفته شده که ویلیام برای پدرش کار می‌کرد تا صابون‌های کارخانه وی را بفروشد.

(۲) **گزینه ۱** معمول بر این است که گزینه‌ای پاسخ سؤال است، با اندکی تغییر در جمله‌بندی متن و با واژگانی گاه جدید نوشته می‌شود در حالی که همان مفهوم جمله متن را می‌رساند. به عبارت دیگر **گزینه پاسخ بیان مجددی (rephrase) از جمله اصلی متن است** مثلاً در همین سؤال در متن ذکر شده:

The soap was not very popular with merchants.

اما گزینه صحیح گفته

The soap was not originally well-liked.

که همان مفهوم را دارد.

(۳) **گزینه ۲** قاعده بر این است که در میان سؤالات جزئیات، سؤالات اول بیشتر مربوط به اوایل متن و سؤالات آخر بیشتر مربوط به اواخر متن است.

بنابراین حتی اگر در صورت سؤال، پاراگراف مربوط به آن سؤال ذکر نشود، تا حدودی می‌توان حدس زد که در کجای متن باید دنبال پاسخ آن پرسش گشت. در این سؤال عبارت کلیدی عبارت روبه‌رو: "When Wrigley first founded his own company" است که معادل همین مفهوم در پاراگراف دوم خط اول این جمله آمده:

Wrigley then established his own company.

که مشخصاً طبق همان جمله، گزینه‌های ۱، ۳ و ۴ ذکر شده‌اند.

(۴) **گزینه ۴** یکی از انواع رایج سؤالات از جزئیات پرسش‌هایی هستند که صورت سؤال منفی دارند و کلماتی مثل NOT یا EXCEPT در صورت

سؤال دیده می‌شود. در این گونه سؤالات باید دقت کافی کرد که گیج نشویم و اشتباه نکنیم. در این سؤالات سه گزینه صحیح است و در متن ذکر شده و تنها یک گزینه نادرست است یا در متن ذکر نشده است. در این سؤال هم موضوع گزینه ۴ در متن (پاراگراف دو) نیامده است.

(۵) **گزینه ۳** یادمان باشد در سؤالات از جزئیات، اگر پاسخ سؤال به روشنی در یادمان است، حتماً لزومی هم ندارد که به متن مراجعه کنیم. به عبارت دیگر گاهی براساس یاری حافظه یا حتی یاری اطلاعات عمومی می‌توان به سؤال پاسخ داد و لذا همیشه باید قبل از مراجعه به متن، گزینه‌ها را یک بار بررسی کرد شاید در همان بررسی اولیه پاسخ روشن باشد.

حال درباره این سؤال برای شما همین‌طور بود یا مجبور شدید به متن برگردید؟ در هر حال، مشخص است که ویلیام ریگلی از شر دو برند آخر خلاص نشد زیرا

دو برند آخر آدامس او بسیار موفق بودند و تا حالا هم از برندهای اصلی ریگلی هستند.

New WORDS

chewing gum:	آدامس	profit margin:	حاشیه سود	baking soda:	جوش شیرین
premium:	جایزه	convince:	متقاعد کردن	deal:	معامله
primary:	اصلی	confirm:	تأیید کردن	demand:	تقاضا
merchant:	بازرگان	wholesaler:	عمده فروش	phase out:	از بین رفتن، ناپدید شدن

🕒 برای تسلط بر هر مهارتی، دو چیز باید کنارهم جمع شوند:

(۱) یادگیری تکنیک‌ها (۲) تمرین زیاد

حال این مهارت می‌خواهد شما کردن باشد، پیانوزدن یا متن خوانی.

▲ خلاصه نکات «برخورد با جزئیات»

(۱) اصولاً خوب است که هنگام مطالعه متن، زیر جزئیات (اعداد، ارقام، اسم‌ها، تاریخ‌ها و...) خط بکشید و البته سیر موضوع را بدون حفظ کردن تمامی این جزئیات دنبال کنید. این خط کشیدن کمک می‌کند که بعداً اگر در سؤالات چیزی از این موارد پرسیده شده باشد، آن‌ها را به راحتی پیدا کنید.

(۲) تکنیک اصلی پیدا کردن جزئیات، تکنیک scanning است که در آن باید واژه یا عبارت کلیدی (key word) را در صورت سؤال یا گزینه انتخاب کنید و سپس با نگاهی روزنامه‌وار آن یا معادل آن را در متن بیابید و جمله مربوطه را بخوانید.

(۳) معمولاً پاسخ چنین سؤالاتی بیان مجددی از جمله‌بندی متن است و معمولاً همان جمله متن عیناً در پاسخ تکرار نمی‌شود.

(۴) ترتیب سؤالات معمولاً محل پیدا کردن پاسخ‌هایشان را در متن نشان می‌دهد یعنی پاسخ سؤالات اول معمولاً در اوایل و پاسخ سؤالات آخر معمولاً در اواخر متن است.

(۵) صورت چنین سؤالاتی معمولاً این عبارات را شامل می‌شوند:

-According to the passage / paragraph 1,

-True / False

-correct / incorrect

-It is stated / mentioned / indicated in the passage that

درک ارجاع

Understanding Reference

Technique 2

راهنما: هدف اصلی در این متن، یافتن مرجع ضمیرهای مشخص شده است. متن را اجمالاً و بدون درگیر شدن با تک تک واژه‌ها بخوانید تا صرفاً موضوع کلی آن را بفهمید و بتوانید روی تکنیک «پیدا کردن مرجع ضمیر» متمرکز شوید.

Horatio Alger, Jr. (1832-1899) was the author of more than 100 books for boys in the second half of the nineteenth century that focused on the theme of success coming to those who work hard to achieve it. The son of a minister, Alger came from a prominent Massachusetts family. He graduated with honors from Harvard in 1852 and graduated from the Cambridge Divinity School eight years later. He served as a minister for a short time before moving to New York City in 1866 to devote his time to writing inspirational books for boys.

In many of his books, he wrote about the poor and homeless children of the slums of New York City, seeing them as unfortunate pawns of society who, if only given the opportunity, could improve their lot. A general plotline that he followed often was of a poor boy who managed to achieve a respectable and successful life by working hard and taking advantage of opportunities presented. Though his writing style was characterized by simplicity and repetition, it was well received by his target audience; his books were enormously popular, selling millions of copies well into the first few decades of the twentieth century.

1. The word "that" in paragraph 1 refers to

- | | | | |
|-----------|----------|---------|---------|
| 1) author | 2) books | 3) boys | 4) half |
|-----------|----------|---------|---------|

2. The word "it" in paragraph 1 refers to

- | | | | |
|--------------------|---------------------------|--------------|------------|
| 1) the second half | 2) the nineteenth century | 3) 100 books | 4) success |
|--------------------|---------------------------|--------------|------------|

3. The word "them" in paragraph 2 refers to

- | | | | |
|----------|------------------|----------|-------------------|
| 1) books | 2) poor children | 3) slums | 4) pawns of chess |
|----------|------------------|----------|-------------------|

4. The word "who" in paragraph 2 refers to

- | | | | |
|----------|------------|----------|----------------|
| 1) slums | 2) society | 3) pawns | 4) opportunity |
|----------|------------|----------|----------------|

5. The word "it" in paragraph 2 refers to

- | | | | |
|----------|---------------|---------------|-------------|
| 1) style | 2) simplicity | 3) repetition | 4) audience |
|----------|---------------|---------------|-------------|



هوریشیو آلجر پسر نویسنده بیش از صد کتاب برای پسران در نیمه دوم قرن نوزدهم بود. کتاب‌هایی که روی این موضوع تمرکز داشتند که موفقیت سراغ کسانی می‌آید که سخت تلاش می‌کنند تا آن را به دست آورند. آلجر که پسر یک کشیش بود از یک خانوادهٔ میرز ماساچوست می‌آمد. او در ۱۸۵۲ به عنوان دانشجوی ممتاز از هاروارد فارغ‌التحصیل شد و مدرسه Divinity کمبریج را هشت سال بعد تمام کرد. او برای مدتی کوتاه به عنوان کشیش خدمت کرد و سپس در ۱۸۶۶ به نیویورک رفت تا وقتش را به نوشتن کتاب‌های انگیزشی برای پسران اختصاص دهد.

در بسیاری از کتاب‌هایش او دربارهٔ کودکان فقیر و بی‌خانمان مناطق فقیرنشین نیویورک می‌نوشت و آن‌ها را به عنوان افراد ضعیف جامعه می‌دید که اگر فقط به آن‌ها فرصت داده می‌شد، می‌توانستند اقبال خود را بهبود بخشند. داستان کلی‌ای که او دنبال می‌کرد اغلب پسر فقیری بود که با سخت‌کوشی و استفاده از فرصت‌های ارائه شده موفق می‌شد زندگی قابل احترام و موفق داشته باشد. اگرچه سبک نوشتن او شاخصه‌هایی مثل سادگی و تکرار داشت، توسط مخاطبان هدفش به خوبی پذیرفته شد، کتاب‌هایش شدیداً محبوب بود و تا چندین دههٔ اول قرن بیستم میلیون‌ها نسخه از آن‌ها به فروش می‌رسید.

پاسخ سؤالات متن:

(۱) **گزینهٔ ۲** یکی از مسائل مهم در حین خواندن متن که برای پیگیری موضوع متن توسط خواننده ضروری است، توجه به **ضمایر و کلمات پرهیز از تکرار** است. نویسنده در اغلب اوقات برای پرهیز از تکرار مکررات، از ضمایر و کلمات مشابه استفاده می‌کند که خواننده متن باید با ذکاوت و **با دقت به مفهوم جمله و سیر مفهوم متن** آن‌ها را دریابد و دنبال کند.

اما در این سؤال مفهوم جمله: ... نویسنده بیش از صد کتاب برای پسرچه‌ها در نیمه دوم قرن نوزدهم است، **کتاب‌هایی که** روی این موضوع تمرکز می‌کند که موفقیت سراغ کسانی می‌آید که سخت تلاش می‌کنند تا آن را به دست آورند.

(۲) گزینه ۴ به طور معمول مرجع یک ضمیر قبل از آن ضمیر می‌آید و لذا بهترین محل برای جستجوی **مرجع ضمیر**، در کلمات یا جملات قبل از آن است. البته باید گفت که مرجع به ندرت ممکن است بعد از ضمیر هم بیاید.

(۳) گزینه ۲ یکی از ساده‌ترین روش‌های پاسخگویی به سؤالات **مرجع ضمیر**، جاگذاری گزینه‌های داده شده و بررسی مفهوم جمله حاصله است. در این سؤال: ... او راجع به بچه‌های فقیر و بی‌خانمان محله‌های فقیرنشین شهر نیویورک می‌نوشت و **آنها** را به عنوان گروگان‌هایی در جامعه می‌دید که

(۴) گزینه ۳ در این سؤال مرجع ضمیر who، اسم pawn است.

اما خوب است بدانید که مرجع ضمیر گاهی یک عبارت، یک جمله یا حتی یک مفهوم ضمنی، ممکن است باشد. برخی از ضمیری که **می‌توانند** به یک مفهوم یا جمله برگردند، this، it و which هستند.

(۵) گزینه ۱ اگرچه ویژگی سبک نوشتاری او سادگی و تکرار بود، آن به خوبی توسط مخاطبان هدفش پذیرفته می‌شد.

New WORDS

author:	نویسنده	inspirational:	انگیزشی	decade:	دهه
achieve:	به دست آوردن	pawn of society:	عضو ضعیف جامعه		
minister:	وزیر، کشیش	opportunity:	فرصت		
prominent:	بارز	plotline:	طرح داستان		
graduate:	فارغ‌التحصیل شدن	advantage:	سود		
honors:	نمره ممتاز	target:	هدف		

خلاصه نکات «مرجع ضمیر»

- سؤالاتی که مرجع یک ضمیر یا واژه پرهیز از تکرار را می‌پرسند، حاوی لغت کلیدی refer to هستند.
- مرجع ضمیر را اصولاً باید براساس مفهوم و معنی جمله و سیر موضوع متن پیدا کرد. لزوماً نزدیک‌ترین اسم به یک ضمیر، مرجع آن نیست.
- مرجع معمولاً قبل از ضمیر (و به ندرت بعد از آن) می‌آید. مرجع از نظر تعداد و شخص با ضمیر تطابق دارد.
- مرجع ضمیر گاهی یک کلمه نیست بلکه یک مفهوم یا حتی یک جمله کامل است.
- جاگذاری گزینه‌ها در جمله یکی از ساده‌ترین روش‌های پاسخگویی به سؤالات مرجع ضمیر است.



پرای جدول New Words در انتهای هر فصل دو کاربرد اصلی در نظر گرفته‌ایم.

(۱) جدولی که معنای لغات جدید را حاوی باشد و شما را از صرف وقت پرای مراجعه به دیکشنری بی‌نیاز کند.

(۲) جدولی که به شما کمک کند دامنه لغاتتان را با استفاده از هر فرصتی افزایش دهید.

Technique 3

Dealing with New Words

برخورد با لغات جدید

راهنما: متن زیر دربارهٔ یک رمان‌نویس است؛ آن را به طور اجمالی بخوانید تا سیر موضوع کلی آن را درک کنید. خود را درگیر تک‌تک لغات نکنید و به دنبال فهم تک‌تک کلمات نباشید. هدف اصلی در این جا تلاش برای حدس معنی لغاتی است که زیرشان خط کشیده شده است.

Edna Ferber (1887-1968) was a popular American novelist in the first half of the twentieth century. She embarked on her career by working as a newspaper reporter in Wisconsin and soon began writing novels. Her first novel, *Dawn O'Hara, the Girl Who Laughed*, was published in 1911, when she was only twenty-four years old.

Her big break came with the novel *So Big* (1924), which was awarded the Pulitzer Prize in Literature. The main conflict in the novel is between a mother who places a high value on hard work and honor and a son who repudiates his mother's values, instead preferring the easier path to fortune and celebrity. Like many of Ferber's novels, this novel features a female protagonist with strong character who struggles to deal with dilemmas about the importance of status and money.

Probably the best known of Ferber's novels was *Show Boat* (1926), which tells the story of a Southern woman married to a charismatic but irresponsible man who leaves her with a daughter she must take great pains to support. In 1927, the novel was made into a musical that has endured to the present.

Other well-known novels by Ferber include *Cimarron* (1930) and *Giant* (1952), both of which were made into movies. These were epic novels about the settlement and growth of the West, centering on strong female lead characters who marry men lacking the same strength of character.

1. The phrase "embarked on" in paragraph 1 is closest in meaning to

- 1) took a trip to 2) started out on 3) improved upon 4) had an opinion about

2. The word "break" in paragraph 2 could best be replaced by

- 1) act of cutting 2) crack 3) bit of fortune 4) rest

3. The word "repudiates" in paragraph 2 is closest in meaning to

- 1) refuses to accept 2) lives up to 3) tries to understand 4) makes the best of

4. The word "protagonist" in paragraph 2 is closest in meaning to

- 1) big enemy 2) interested reader 3) skilled worker 4) lead character

5. The word "irresponsible" in paragraph 3 is closest in meaning to

- 1) reckless 2) reliable 3) excited 4) emotional

6. The phrase "take great pains" in paragraph 3 is closest in meaning to

- 1) work hard 2) recognize hurtfully 3) accept clearly 4) hurt agonizingly

7. The word "endured" in paragraph 3 is closest in meaning to

- 1) lasted 2) tested 3) waited 4) limited



ادنا فربر رمان‌نویس محبوب آمریکایی در نیمهٔ اول قرن بیستم بود. او مسیر شغلی خود را با کار به عنوان گزارشگر روزنامه‌ای در ویسکانسین شروع کرد و خیلی زود به نوشتن رمان پرداخت. اولین رمان او، داون آهارا، دختری که می‌خندید، در ۱۹۱۱ چاپ شد زمانی که او فقط بیست و چهار سال داشت. اقبال بزرگی با رمان *so big* که جایزه پولیتزر در ادبیات به آن اعطا شد نصیب او شد. تعارض اصلی در آن رمان بین مادری است که ارزش زیادی به سخت‌کوشی و شرافت می‌دهد و پسری که ارزش‌های مادرش را نمی‌فهمد و در عوض مسیر ساده‌تری را به ثروت و شهرت ترجیح می‌دهد. مانند بسیاری از رمان‌های دیگر فربر، این رمان نقش اصلی را در شخصیت اصلی به خانمی با شخصیتی قوی می‌دهد که تقلا می‌کند با مسائل غامضی دربارهٔ اهمیت جایگاه (اجتماعی) و پول کنار بیاید. شاید مشهورترین رمان فربر *Show Boat* بود که داستان یک زن جنوبی است که با یک مرد پرچربه ولی بی‌مسئولیتی ازدواج می‌کند که او را با دخترش تنها می‌گذارد، دختری که او باید برای تأمینش زحمات زیادی بکشد. در ۱۹۲۷، این رمان تبدیل به یک تئاتر موزیکال شد که تا به حال دوام داشته است. دیگر رمان‌های مشهور فربر شامل *Cimarron* و *Giant* است که هر دو تبدیل به فیلم سینمایی شدند. این‌ها داستان‌هایی حماسی دربارهٔ اسکان و رشد غرب بودند. و تمرکزشان روی شخصیت‌های اصلی و قدرتمند زنانی بود که با مردان ازدواج می‌کردند که همان قدرت شخصیتی را نداشتند.

 توضیح ضروری: اگر این متن‌ها پرایتان پیش از حد دشوار است، باید قبل از استفاده از این کتاب دو کار ضروری انجام دهید:

(۱) روی لغات چهار سال دبیرستان تسلط پیدا کنید. (۲) کتاب درک متن انگلیسی به زبان ساده را بخوانید.

پاسخ سؤالات متن:

(۱) **گزینه ۲** اصولاً اقدام اولیه ما در برخورد با واژه جدید در متن نادیده گرفتن آن و تمرکز بر موضوع متن است. اما گاهی طراح سؤال معنی یک واژه جدید را از ما می‌پرسد. برای حدس معنی لغات جدید در یک متن روش‌های متفاوتی وجود دارد. یکی از بهترین روش‌ها توجه به متن همراه (context) آن لغت است. در این روش شما باید ابتدا نقش گرامری واژه موردنظر را متوجه شوید (اسم، فعل، صفت، قید و...) و سپس با استفاده از واژه‌های اطراف آن لغت و سرنخ‌های موجود در جمله، معنی آن لغت جدید را حدس بزنید. مثلاً در همین جمله:

او ... شغلش را با کار کردن به عنوان گزارشگر روزنامه. She embarked on her career by working as a newspaper reporter.

حدس می‌زنیم جای خالی محل کاربرد یک فعل است (بعد از فاعل، فعل می‌آید) وجود ed- هم تا حد زیادی این حدس ما را قوی‌تر می‌کند.

حال که نقش گرامری واژه موردنظر را فهمیدیم، سعی می‌کنیم با توجه به متن همراه حدس معقولی بزنیم: او کارش را شروع کرد.

با توجه به این که اولین بار است سخن از شغل ادنا فربر می‌شود، منطقی‌ترین حدس «شروع کردن» است.

⚠ **توجه:** یادمان باشد وقتی می‌خواهیم معنی لغت جدیدی را حدس بزنیم، لزومی ندارد معنی آن را به دقت یک دیکشنری حدس بزنیم. همین که حیطه معنایی آن را مشخص کنیم و در نهایت مفهوم کلی جمله را درک کنیم، کافی است.

معنی گزینه‌ها: (۱) سفر کرد به (۲) شروع کرد (۳) بهبود داد (۴) نظری داشت درباره

(۲) **گزینه ۳** کلمه break را عمدتاً به معنی «شکستن، شکست» دیده‌اید. اما در اینجا قضیه فرق دارد. اگر از روش سؤال قبل استفاده کنید، جمله موردنظر می‌گوید:

Her big break came with the novel *So Big*, which was awarded the pulitzer.

... بزرگ او با رمان «خیلی بزرگ» حاصل شد، که جایزه پولیتزر را برد.

واضح است که کلمه break در اینجا «اسم» است (چون فاعل، جمله است و در ضمن پس از صفت big آمده است). حال با توجه به مفهوم ادامه جمله که به برنده

شدن جایزه پولیتزر اشاره دارد نیز گزینه‌های داده شده، واژه bit of fortune (شانس، اقبال) بهترین انتخاب است.

⚠ **توجه:** در بسیاری از موارد جایگزین کردن گزینه‌های داده شده با واژه ناآشنا، شما را تا حد بسیار زیادی به پاسخ نزدیک می‌کند.

معنی گزینه‌ها: (۱) عمل بریدن (۲) شکاف، ترک (۳) اقبال، شانس (۴) استراحت، بقیه

(۳) **گزینه ۱** سرنخ‌هایی که در متن همراه، برای حدس معنی لغت جدید پیدا می‌شود، گاه قبل و گاه بعد از آن می‌آیند. هیچ‌گاه نباید از پیدا کردن نشانه‌هایی برای حدس

مفهوم لغت جدید (هر چند حدس کلی باشد) ناامید شد. گاهی باید به خیلی قبل یا بعد نگاه کنیم. مثلاً در این سؤال سرنخ‌های اصلی کلمه conflict (تعارض) قبل از آن و

instead بعد از آن است:

The main conflict in the novel is between a mother who places a high value on hard work and honor and a son who repudiates his mother's values, instead preferring the easier path.

تعارض اصلی رمان بین یک مادر که ارزش زیادی برای سخت‌کوشی و شرافت قاتل است و پسری که ارزش‌های مادرش را ... و در عوض مسیر ساده‌تر را ترجیح می‌دهد.

مشخصاً واژه «نپذیرفتن، رد کردن» با جمله هماهنگ است.

معنی گزینه‌ها: (۱) نمی‌پذیرد (۲) برآورده می‌کند (۳) سعی می‌کند بفهمد (۴) بهترین بهره را می‌برد

⚠ **توجه:** ممکن است برخی از شما اعتراض کنید که: «آخه ما معنی conflict رو هم نمی‌دونیم! باید عرض کنیم به همین دلیل است که باید تلاش زیادی کنید تا

دامنه لغاتتان را هم بالا ببرید و بدانید هرچه دایره واژگان شما گسترده‌تر باشد، متن‌ها را هم راحت‌تر خواهید خواند.

(۴) **گزینه ۴** خب، سرنخ اصلی موجود در جمله برای حدس زدن معنی protagonist به نظر شما چیست؟ پاسخ شما باید novel (رمان) باشد.

در اینجا توجه کنید که گاهی توجه کردیم به موضوع اصلی متن (main idea) هم می‌تواند به شما کمک کند راجع به معنی واژه جدید حدس معقول‌تری بزنید. مثلاً

توجه به این که این متن درباره یک رمان‌نویس است کمک می‌کند بفهمیم رمان مورد بحث در پاراگراف دوم دارای شخصیت‌هایی بوده که شخصیت اصلی آن یک

خانم، باشخصیتی قوی است (الی آخر).

معنی گزینه‌ها: (۱) دشمن بزرگ (۲) خواننده علاقمند (۳) کارگر ماهر (۴) شخصیت اصلی

(۵) **گزینه ۱** در پاسخ‌های قبلی اشاره کردیم که یکی از روش‌های پاسخگویی به سؤالات «حدس معنی لغت جدید» جایگذاری گزینه‌هاست اما این امکان وجود دارد که

شما در میان گزینه‌ها، معنی یک گزینه را ندانید (مثلاً در این سؤال شاید معنی reckless). در این صورت با روش رد گزینه‌های دیگر می‌توانید به پاسخ

صحیح (بی‌مسئولیت، بی‌خیال) برسید.

اما نکته اصلی این سؤال این است که یکی از روش‌های حدس معنی لغات توجه به ریشه آن‌ها و پیشوند و پسوندهای آنهاست

(word formation). مثلاً واژه irresponsible:

response (n) + -able → responsible (adj)

پاسخگو، مسؤول پاسخ

ir - + responsible → irresponsible -

بی‌مسئولیت پیشوند منفی ساز

⚠ به طور کلی خوب است بدانید که پسوندها عمدتاً نقش کلمه را تغییر می‌دهند و پیشوندها بیشتر معنی آن را. برای مطالعه بیشتر پیشوند / پسوندها

/ ریشه‌ها می‌توانید به Part B همین کتاب مراجعه کنید.

۶) گزینه ۱ گاه لغاتی که برای ما مفاهیم آشنایی دارند در مفاهیم دیگری و در قالب اصطلاحاتی به کار می‌روند. مثلاً واژه pain یعنی «درد» ولی اصطلاح take great pains to do sth یعنی «زحمت فراوان کشیدن برای انجام کاری». بهترین راه برای تشخیص این موارد، مثل همیشه استفاده از متن همراه (context) و دقت به موضوع کلی مورد بحث است.

..... irresponsible man who leaves her with a daughter she must **take great pains** to support.

... مرد بی‌مسئولیتی که او را با دختر بچه‌ای تنها می‌گذارد که او باید **زحمت زیادی بکشد** تا آن دختر را تأمین کند.

⚠ نکته امید بخش این است که معمولاً اصطلاح موردنظر ارتباط (هرچند دوری) با معنی تک‌تک واژه‌های خود دارد. مثلاً take great pains لغت به لغت یعنی «درد زیادی را تحمل کردن».

معنی گزینه‌ها: ۱) سخت کار کردن ۲) با درد و رنج شناختن ۳) واضحاً پذیرفتن ۴) به طرز دردآوری رنجاندن

۷) گزینه ۱

The novel was made into a musical that has **endured** to the present.

آن رمان تبدیل به یک نمایش موزیکال شد که تا به حال

مشخصاً جای خالی محل کاربرد فعل است و بهترین گزینه «دوام آوردن، طول کشیدن» است.

معنی گزینه‌ها: ۱) دوام آوردن ۲) آزمودن ۳) منتظر شدن ۴) محدود کردن

▶ New WORDS

embark on:	شروع کردن	repudiate:	نپذیرفتن	lead character:	شخصیت اصلی
career:	مسیر شغلی	feature (v):	نقش اصلی دادن به	lack:	فاقد بودن
break (n):	اقبال، شانس خوب	protagonist:	نقش اصلی		
literature:	ادبیات	dilemma:	دو راهی انتخاب، مسأله غامض		
conflict:	تعارض	charismatic:	پرچنده		
honor:	اعتبار، شرف	epic:	حماسی		

⚠ خلاصه نکات «برخورد با لغات ناآشنا»

۱) اقدام اول همیشه نادیده گرفتن لغت جدید و تمرکز بر موضوع جمله و متن مورد مطالعه است (که خوشبختانه در اغلب موارد جواب می‌دهد).

۲) اما اگر برای درک مفهوم متن به معنی آن واژه نیاز داشتیم یا طراح سؤال معنی آن را پرسیده بود، باید بدانیم که بهترین راه، توجه به **متن همراه** (context) و تلاش برای پیدا کردن سرنخ‌های مناسب برای زدن حدس معقولی درباره معنی آن واژه است. برای این منظور، بهتر است نقش گرامری واژه مورد نظر را ابتدا حدس بزنیم. (که آیا اسم، صفت، قید یا فعل است).

۳) گاهی ریشه لغت ناآشنا برای ما آشنا است و با تحلیل ساختار آن لغت از نظر پیشوندها و پسوندها می‌توانیم مفهوم کلی آن را به دست بیاوریم.

۴) در موارد کمی هم نویسنده متن خود واژه موردنظر را خود معنی کرده است یا آن واژه عیناً وارد زبان مادری ما هم شده است (مثلاً دیابت diabetes) که تشخیص آن را ساده‌تر می‌کند.

۵) باید توجه کرد که گاه یک لغت دارای معانی متفاوتی است و حتی مفهوم واژه‌های آشنا را هم باید در زمینه متن همراه خود سنجید و درک کرد.

۶) صورت سؤالاتی که از معنی لغت جدیدی می‌پرسند معمولاً این‌گونه است:

The word / phrase X is closest in meaning to

۷) از ساده‌ترین روش‌ها برای پاسخ به سؤالات لغت جدید، جاگذاری گزینه‌ها است.

⌚ تکنیک برخورد با لغات ناآشنا – به زعم ما با تجربه تدریس چندساله – عملاً راهگشایترین و مؤثرترین تکنیک و ابزار دست خواننده متن است. آن را خیلی خیلی جدی بگیرید.

⌚ برای برخورد آسانتر با واژگان جدید متن دو راهکار کلی داریم: ۱) یادگیری تکنیک‌های آموزش داده شده در این صفحات ۲) افزایش دامنه واژگان و یادگیری واژگان جدید با خواندن متون متنوع یا کتاب‌های آموزش اصولی واژگان (مثل Part B همین کتاب)

درک ایده اصلی Understanding the Main Idea Technique 4

راهنما: هدف اصلی در این جا درک «موضوع اصلی متن» است. تلاش کنید بفهمید هدف اصلی نویسنده از نوشتن متن چه بوده است. شما دوستان خوب باید بدانید که اگر موضوع یک متن را به خوبی نفهمید و نتوانید آن را در متن دنبال کنید، عملاً از درک مؤثر آن متن عاجز خواهید بود.

Passage 1

Basketball was invented in 1891 by a physical education instructor in Springfield, Massachusetts, by the name of James Naismith. Because of the terrible weather in winter, his physical education students were indoors rather than outdoors. They really did not like the idea of boring, repetitive exercises and preferred the excitement and challenge of a game. Naismith figured out a team sport that could be played indoors on a gymnasium floor, that involved a lot of running, that kept all team members involved, and that did not allow the tackling and physical contact of American-style football.

What is the main idea of this passage?

- | | |
|------------------------------------|-----------------------------|
| 1) The life of James Naismith | 2) The history of sports |
| 3) Physical education and exercise | 4) The origin of basketball |

معنی متن اول:

بسکتبال در ۱۸۹۱ توسط یک مربی تربیت بدنی در اسپرینگ فیلد، ماساچوست به نام جیمز نیسمیت اختراع شد. به خاطر هوای بسیار بد زمستان، دانش‌آموزان تربیت بدنی او به جای فضاباز داخل فضای بسته بودند. آن‌ها واقعاً ایده تمرین‌های تکراری و کسل‌کننده را دوست نداشتند و هیجان و چالش یک بازی را ترجیح می‌دادند. نیسمیت ورزشی تیمی را دریافت که می‌توانست در زمین باشگاه داخل فضای بسته بازی شود، ورزشی که دویدن زیادی را شامل می‌شد و همه اعضای تیم را درگیر می‌کرد و تکل کردن و تماس فیزیکی از نوع فوتبال آمریکایی را مجاز نمی‌دانست.

پاسخ سؤالات متن:

پاسخ: گزینه ۴.

از رایج‌ترین انواع سؤالات، پرسش‌هایی است که **موضوع اصلی یک متن** (main idea) را مورد پرسش قرار می‌دهد. موضوع اصلی هر پاراگراف در واقع هدف اصلی نویسنده از نوشتن پاراگراف است و پیغام اصلی است که تمام جملات آن تلاش می‌کنند آن را بیان نمایند. برآیند موضوع اصلی همه پاراگراف‌های یک متن، در واقع موضوع اصلی کل متن است.

نکته مهم: این است که تقریباً همیشه موضوع اصلی در جمله اول متن ذکر می‌شود که معمولاً به آن جمله topic sentence می‌گوییم و بقیه جملات با آوردن مثال، توضیح، دلیل و... خواننده را برای پذیرفتن آن متقاعد می‌کنند (supporting sentences). مثلاً در همین متن هم از همان جمله اول بحث اختراع بازی بسکتبال مطرح شده و در جملات بعدی، داستان این اختراع آورده شده است. برای این که بفهمید چرا بقیه گزینه‌ها نادرستند متن بعدی را بخوانید.

Passage 2

The extremely hot and humid weather that occurs in the United States in July and August is commonly called the “dog days” of summer. This name comes from the star Sirius, which is known as the Dog Star. Sirius is the brightest visible star, and in the hot summer months it rises in the east at approximately the same time as the Sun. As ancient people saw this star rising with the Sun when the weather was at its hottest, they believed that Sirius was the cause of the additional heat; they believed that this bright star added its heat to the heat of the Sun, and these two together made summer weather so unbearably hot.

The main idea of this passage is that

- 1) the name for the hot summer days comes from Sirius, the Dog Star
- 2) extremely hot weather bothers dogs in summer
- 3) the hottest days occur in the summer because of the movements of the Sun and stars
- 4) Sirius rises at almost the same time as the Sun during the summer months.

معنی متن دوم:

هوای فوق‌العاده گرم و شرجی که در جولای و آگوست در امریکا رخ می‌دهد را با نام «روزهای سگی» تابستان می‌شناسند. این نام از اسم ستاره «سیریوس» منشأ گرفته که با نام «ستاره سگی» شناخته می‌شود. سیریوس روشن‌ترین ستاره قابل رؤیت است و در ماه‌های گرم تابستان تقریباً همزمان با خورشید در شرق طلوع می‌کند. چون مردمان کهن می‌دیدند که این ستاره در زمانی که هوا گرم‌ترین دما را دارد همزمان با خورشید طلوع می‌کند، آن‌ها تصور می‌کردند که سیریوس عامل این گرمای اضافه است. آن‌ها باور داشتند که این ستاره گرمای خود را به گرمای خورشید اضافه می‌کند و این دو باهم گرمای تابستان را به حد غیرقابل تحملی گرم می‌کنند.

پاسخ: گزینه ۱ نکته بسیار کلیدی در پاسخگویی به چنین سؤالاتی **مقایسه** گزینه‌ها باهم است به طوری که گزینه‌های **بیش از حد جزئی** که فقط به بخشی از متن (مثلاً یک جمله خاص) اشاره دارند و گزینه‌های **بیش از حد کلی** که به طور دقیق به موضوع این متن خاص اشاره نمی‌کنند و ممکن است به چندین متن دیگر هم مربوط شوند، رد کنیم. مثلاً در همین سؤال گزینه‌ها را بررسی می‌کنیم:

(۱) نام روزهای گرم تابستان از سیریوس، ستاره سگی به دست آمده است. این گزینه صحیح است. در ابتدای متن به آن اشاره شده و در جملات بعدی سابقه تاریخی آن ذکر شده است.

(۲) روزهای شدیداً گرم، سگ‌ها را در تابستان اذیت می‌کند. جمله غلط و بی‌ربطی است که صرفاً از کنار هم گذاشتن کلمات متن درست شده است.

(۳) گرم‌ترین روزهای تابستان به دلیل حرکت خورشید و ستارگان اتفاق می‌افتند.

شاید جمله ذاتاً درستی باشد ولی ربطی به موضوع خاص این متن ندارد که در واقع دلیل نام‌گذاری “dog days” است.

(۴) سیریوس در طی ماه‌های تابستان تقریباً همزمان با خورشید طلوع می‌کند.

جمله درستی است ولی بیش از حد جزئی است و به کل متن بر نمی‌گردد.

Passage 3

Before ballpoint pens or fountain pens, pens were made from goose feathers. These goose feathers, called quills, were sharpened and dipped into inkwells, where they absorbed enough ink to write a few words. It was necessary to keep an inkwell very close by, as frequent dipping was necessary.

These quill pens were one of the earliest products “designed” specifically for left- and right- handed people. Feathers from the left wing of the goose worked best for right-handers because of the way that the feathers arched. Feathers from the right wing were preferred by left-handers.

Which of the following is the best title for this passage?

- 1) Early Ballpoint and Fountain Pens
- 2) Quill pens for Lefties and Righties
- 3) Where Quill Pens Came From
- 4) Various Uses for Goose Feathers

معنی متن سوم:

قبل از خودکار یا خودنویس، قلم‌ها از پر مرغابی ساخته می‌شدند. این پرهای مرغابی را که quill نامیده می‌شدند تیز می‌کردند و داخل جوهردان می‌نمودند، جایی که آن‌ها جوهر کافی جذب می‌کردند تا چند کلمه‌ای بنویسند. لازم بود که جوهردان دم‌دست باشد چون به طور مکرر ضروری بود که قلم وارد جوهردان شود. این قلم‌های quill یکی از اولین محصولات بود که به طور خاص برای افراد راست دست و چپ دست طراحی می‌شد. پرهای بال چپ مرغابی برای راست دست‌ها بهتر بود به خاطر جهتی که پر قوس برمی‌داشت. پرهای بال راست توسط چپ دست‌ها ترجیح داده می‌شد.

پاسخ: گزینه ۲

▶ New WORDS

challenge:	چالش	unbearably:	به طور غیرقابل تحمل	arch:	قوس، کمان
gymnasium:	باشگاه ورزشی	goose feather:	پر مرغابی		
tackle:	تکل کردن، از عهده برآمدن	dip:	فرو کردن		
visible:	قابل رؤیت	inkwell:	جوهردان		
approximately:	تقریباً	absorb:	جذب کردن		

گاه از ما بهترین عنوان مناسب برای یک متن (best title) پرسیده می‌شود. باید بدانیم بهترین عنوان عملاً عنوانی است که به بهترین شکل موضوع اصلی متن (main idea) را نشان دهد و باز هم به کامل‌ترین حالت موضوع همه پاراگراف‌های متن را دربرگیرد. تکرار می‌کنیم گزینه انتخابی ما نباید بیش از حد جزئی یا بیش از حد کلی باشد.

نکته مهم دیگر این است که **کلمات و مفاهیم پرتکرار** در متن به نوعی موضوع متن را به ما نشان می‌دهند. مثلاً در این متن کلمه quill pens و مترادف‌های آن مشخصاً زیاد تکرار شده است.

درضمن همان‌طور که در پاراگراف اول این متن به طور خاص می‌بینید، لزوماً جمله اول یک پاراگراف، موضوع آن را بیان نمی‌کند و ممکن است موضوع اصلی در جاهای دیگر (به ویژه جمله آخر، جمله دوم و...) بیان شود و حتی در مواردی اصلاً بیان نگردد و صرفاً قابل استنباط باشد.

⚠ (آن چه از همه مهم‌تر است، **مقایسه** گزینه‌ها باهم و انتخاب بهترین مورد است.)

⚠ خلاصه نکات «یافتن موضوع اصلی»

(۱) از رایج‌ترین انواع سؤالات، پرسش‌هایی است که موضوع یک پاراگراف یا کل متن یا بهترین عنوان مناسب برای آن را از ما می‌پرسد. صورت این سؤالات معمولاً الفاظ زیر را دارد.

main idea - topic – best title – mainly about – primarily discuss

(۲) مقایسه گزینه‌ها با هم و ردّ موارد غلط، **بیش از حد جزئی و بیش از حد کلی** و انتخاب گزینه‌ای که به بهترین شکل کل متن را پوشش دهد، بهترین راه پاسخ گویی است.

(۳) معمولاً در هر پاراگراف، جمله اول موضوع اصلی را بیان می‌کند و جملات بعدی آن را بسط و توسعه می‌دهند. البته گاهی هم این طور نیست.

(۴) توجه به کلمات و مفاهیم پرتکرار می‌تواند به انتخاب گزینه صحیح کمک شایانی کند.

🕒 تکنیک‌ها جدا جدا تدریس می‌شوند ولی شما «آگاهانه» از این به بعد همه آن‌ها را با تمرین زیاد و مداوم، کنارهم قرار می‌دهید و کم کم همه این «چیزها» به یک «کل» غیرقابل تفکیک به نام «مهارت متن خوانی» تبدیل می‌شود.

Technique 5

Making Inferences

استنباط کردن

راهنما: متن زیر راجع به اطلاعات فسیلی درباره دایناسوری به نام T. rex است. هدف اصلی در اینجا استنباط مفاهیم ضمنی از متن است. سعی کنید پس از مطالعه اجمالی متن، روی پرسش‌های بعد از آن عمیقاً فکر کنید و ببینید چه مضامینی که مستقیماً در متن ذکر نشده‌اند، می‌توان از متن برداشت کرد.

Although dinosaurs roamed the whole earth for 160 million years, dinosaur skeletons are relatively scarce. Many dinosaurs are known only from a single tooth or bone chip. The reason is that it takes very special conditions to make a fossil and a lot of luck to find one.

For many years, information about *Tyrannosaurus rex* was sketchy at best. However, in the summer of 1990, the first nearly complete *Tyrannosaurus rex* skeleton ever found was excavated in the Montana badlands. That same year a second, even more complete, skeleton was found in South Dakota. Together these skeletons yielded surprising new data into the most famous of the dinosaurs, about the anatomy and behavior of *T. rex* and the world in which it lived.

Among the surprising discoveries were that *T. rex* was a far sleeker, but more powerful, carnivore than previously thought, perhaps weighing less than 6 $\frac{1}{2}$ tons, no more than a bull elephant, and that *T. rex*'s habitat was forest, not swamp or plain as previously believed. Moreover, there appears to have been two forms of *T. rex*, the male quite different from the female. Scientists hope that future fossil discoveries and increasingly more sophisticated techniques will provide more accurate and complete information about not only *T. rex* but all the dinosaurs, giving us a window on the world so many millions of years into the past.

1. It can be inferred from the passage that much of what scientists know about *T. rex*

- 1) has been known for many years
- 2) has not come from fossil discoveries
- 3) has been derived from the most sophisticated techniques
- 4) has been recently discovered

2. The passage implies that fossils

- 1) are usually found in the Midwest
- 2) are usually found in beds containing complete skeletons
- 3) are few in comparison to the number of dinosaurs that roamed the earth
- 4) are easy to discover but difficult to excavate

3. Which of the following can be understood from the passage?

- 1) Interest in fossils is relatively recent.
- 2) It takes advanced techniques to find fossils.
- 3) The search for fossils has been going on for many years.
- 4) Dinosaurs were confined to a relatively small area.

4. Which of the following can be inferred about *T. rex* ?

- | | |
|--|--|
| 1) It was a small but powerful dinosaur. | 2) It was a strong, meat-eating dinosaur. |
| 3) It was a fast, plains-roaming dinosaur. | 4) It was gigantic, forest-roaming dinosaur. |

5. The passage implies which of the following?

- 1) Not all the conclusions scientists make are accurate.
- 2) We have all the information we need about life millions of years ago.
- 3) New discoveries are confirming old theories.
- 4) A whole skeleton is required for information about a dinosaur.

سه تکنیک آخر، تکنیک‌های پیشرفته‌تر است که بر مضامین غیر صریح موجود در متن تأکید دارد؛ به عبارت دیگر برای پاسخگویی به این سؤالات (که عملاً در سال‌های اخیر حدوداً نیمی از سؤالات درک مطلب کنکور منحصر از زبان بوده‌اند) باید مفاهیم ضمنی را از متن استخراج کرد.



اگرچه دایناسورها برای ۱۶۰ میلیون سال در کل زمین، پرسه می‌زدند، اسکلت دایناسور نسبتاً کمیاب است. بسیاری از دایناسورها صرفاً از روی یکی از دندان‌ها یا تکه‌ای از استخوانشان شناخته شده‌اند. دلایل این است که برای ساخته شدن فسیل شرایط بسیار خاص و برای یافتنشان شانس بسیار زیادی مورد نیاز است. برای سال‌ها اطلاعاتی که درباره T.rex داشتیم در بهترین حالت ناقص (وجسته گریخته) بود. اما در تابستان ۱۹۹۰، اولین اسکلت تقریباً کامل T.rex که تا آن زمان یافت شده بود، در زمین‌های لم‌یزرع مونتانا حفاری شد. همان سال اسکلت دومی که حتی کامل‌تر بود در داکوتای جنوبی پیدا شد. این دو باهم، اطلاعات جدید و شگفت‌انگیزی را درباره مشهورترین دایناسورها، راجع به آناتومی و رفتار T.rex و جهانی که در آن می‌زیست، حاصل آورد. در میان اکتشافات شگفت‌انگیز این بود که T.rex گوشتخواری بود به مراتب نرم‌پوست‌تر اما قوی‌تر از آنچه قبلاً فکر می‌شد، شاید وزنش کم‌تر از شش و نیم تن بود که بیش‌تر از یک فیل نیست، و این که محل سکونت T.rex جنگل بود و نه باتلاق یا دشت طوری که قبلاً فکر می‌کردند. علاوه بر این، به نظر می‌رسد دو نوع T.rex وجود داشته که جنس نر کاملاً با جنس ماده متفاوت بوده است. دانشمندان امیدوارند که اکتشافات فسیلی آینده و تکنیک‌های به طرز فزاینده پیچیده، اطلاعات دقیق‌تر و کامل‌تری نه تنها درباره T.rex بلکه همه دایناسورها (برای ما) فراهم کند و برای ما پنجره‌ای رو به دنیای چندین میلیون سال قبل باز نماید.

پاسخ سوالات متن:

۱) گزینه ۴ یکی از انواع پرسش‌های درک مطلب پرسش‌هایی است که نیاز به تجزیه و تحلیل و استنباط مفاهیم غیر صریح از متن دارند و پاسخشان به طور مستقیم در متن ذکر نشده است. برای پاسخگویی به چنین سؤالاتی باید با فراتر از ظواهر متن گذاشت و اصطلاحاً «بین خطوط را خواند»! در این سؤال شما با لغت infer (استنباط کردن) آشنا می‌شوید. «از متن استنباط می‌شود که بیش‌تر آنچه دانشمندان درباره تی‌رکس می‌دانند...»

۱) سال‌هاست که شناخته شده است. ۲) از اکتشافات فسیل‌ها به دست نیامده است. ۳) از پیچیده‌ترین تکنیک‌ها حاصل شده است. ۴) اخیراً کشف شده است.

خب، در پاراگراف اول به طور کلی اشاره می‌شود که فسیل دایناسورها نسبتاً کمیاب است. در پاراگراف دوم گفته می‌شود که برای سال‌ها اطلاعات درباره تی‌رکس بسیار کم بوده و در تابستان ۱۹۹۰ برای اولین بار اسکلت تقریباً کامل تی‌رکس پیدا شده که اطلاعات ذی‌قیمتی در اختیار ما قرار داده است. چه نتیجه‌ای از این‌ها گرفته می‌شود؟ بله. درست است، عمدتاً اطلاعات ما درباره تی‌رکس مربوط به سال‌های اخیر است.

۲) گزینه ۳ ابتدا با فعل imply (به طور ضمنی و غیرمستقیم گفتن) آشنا شوید. سپس توجه کنید که گاه ممکن است ما خودمان مستقیماً به یک استنباط درست از مفاهیم متن برسیم و گاه امکان دارد که ما با رد سه گزینه از گزینه‌های داده شده، به طور غیرمستقیم به پاسخ برسیم. مثلاً در این سؤال مشخصاً گزینه‌های ۱، ۲ و ۴ نادرستند و از جایی از متن برداشت نمی‌شوند:

متن به طور ضمنی می‌گوید که فسیل‌ها:

- ۱) معمولاً در سرزمین‌های نیمه غربی یافت می‌شود.
- ۲) معمولاً در بسترهایی که حاوی اسکلت‌های کامل هستند یافت می‌شوند.
- ۳) به نسبت تعداد دایناسورهایی که در زمین حرکت می‌کردند، ناچیز هستند.
- ۴) کشفشان آسان و حفاریشان دشوار است.

۳) گزینه ۳ کدام یک از متن استنباط می‌شود؟

- ۱) علاقه به فسیل‌ها نسبتاً جدید است.
 - ۲) برای پیدا کردن فسیل‌ها تکنیک‌های پیشرفته نیاز است.
 - ۳) جستجو برای فسیل‌ها سال‌هاست ادامه دارد.
 - ۴) دایناسورها به منطقه نسبتاً کوچکی محدود بودند.
- شما دلیل نادرستی گزینه‌های ۱، ۲ و ۴ را بگویید.

⚠️ در ضمن توجه کنید همانطور که قبلاً هم گفته‌ایم، متن خوانی و مهارت درک مطلب ارتباط مستقیمی با دامنه واژگان شما دارد. هر قدر لغات بیش‌تری بلد باشید، متن‌ها را راحت‌تر می‌خوانید و می‌فهمید. بله، درست است که ما تکنیک‌هایی برای حدس معنی لغات جدید داریم ولی این ما را از گسترده‌تر کردن دایره واژگانمان بی‌نیاز نمی‌کند. یکی از کارهای خیلی مؤثر برای این منظور، همین خواندن متن‌های متنوع و ثبت و تکرار لغات جدید آن‌هاست. پس لطفاً شما هم در همین متن‌های این کتاب لغات جدید را شناسایی کنید و در دفتر لغات خود ثبت نمایید و در فواصل منظم تکرار کنید.

۴) گزینه ۲ کدام یک درباره تی‌رکس استنباط می‌شود؟

- ۱) دایناسوری کوچک اما قوی بود.
 - ۲) دایناسوری قوی و گوشتخوار بود.
 - ۳) دایناسوری سریع و ساکن در دشت بود.
 - ۴) دایناسوری عظیم الجثه و ساکن در جنگل بود.
- گزینه ۱ به دلیل کلمه small و گزینه ۴ به دلیل کلمه gigantic (عظیم الجثه) نادرست هستند زیرا درباره جثه تی‌رکس، فقط این موضوع در متن گفته شده است که (در پاراگراف سوم) تی‌رکس گوشتخواری بود بسیار ظریف‌تر و قوی‌تر از آنچه قبلاً تصور می‌شد. گزینه ۳ هم نادرست است به خاطر کلمه (fast) زیرا درباره سرعت عمل تی‌رکس سخنی به میان نیامده است.

(۵) گزینه ۱ هم می‌توانیم سه گزینه دیگر را رد کنیم و هم دقت کنیم که در پاراگراف سوم متن اشاره شده که «تی‌رکس ظریف‌تر و قوی‌تر از تصورات قبلی ما بوده»، یا این که «محل زندگی او جنگل است نه مرداب یا دشت». اینها به طور حتمی نشان می‌دهد که تصورات و نتیجه‌گیری‌های دانشمندان همیشه صحیح نیست و در طی زمان دستخوش تغییراتی می‌شود.
گزینه ۱: همیشه همه استنتاجات دانشمندان دقیق نیست.

▶ New WORDS

roam:	گشت زدن، پرسه زدن	badland:	زمین لم‌یزرع	habitat:	زیستگاه
relatively:	نسبتاً	yield:	حاصل کردن، به بار آوردن	swamp:	باتلاق
scarce:	کمیاب	sleek:	نرم و براق	sophisticated:	پیچیده، سطح بالا
sketchy:	ناقص، سطحی	carnivore:	گوشتخوار	accurate:	دقیق
excavate:	حفاری کردن	bull:	جنس نر		

⚠ خلاصه نکات «سوالات استنباطی»

(۱) در چنین پرسش‌هایی صورت سؤال معمولاً الفاظ و عبارات زیر را دارد:

-It can be understood from the passage that

-infer استنباط کردن

-conclusion نتیجه

-probably احتمالاً

-imply اشاره ضمنی کردن

(۲) نباید به ظاهر اطلاعات متن بسنده کرد و باید مفاهیم غیرصریح موجود در متن را از آن برداشت کرد.

(۳) گاه حذف گزینه‌های غلط ما را به طور غیرمستقیم به پاسخ می‌رساند.